

ضرب المثل های فارسی - دانمارکی

(شامل تمثیل های فارسی)

www.ketab.ir



موسسه انتشارات دکتر اندیشیان

عابدیان کاسگری، علی اکبر، ۱۳۳۷ -	سرشناسه:
ضرب‌المثل‌های فارسی - دانمارکی: (شامل تمثیل‌های فارسی)	عنوان:
تهران: نشر دگراندیشان، ۱۳۹۶	محل تصانیف:
۱۰۴ ص.	ملاحظات ظاهری:
۹۷۸-۶۰۰-۹۶۵۸۰-۱-۵	شابک:
وضعیت فهرست‌نویسی: نیپا	
Ali Akbar Abedian K. Persiske Dansk Ord og Progne (inholder persiske lignelser): دانمارکی: علی اکبر عابدیان	یادداشت:
کتابنامه	یادداشت:
ضرب‌المثل‌های فارسی	موضوع:
Proverbs, Persian	موضوع:
ضرب‌المثل‌های دانمارکی	موضوع:
Proverbs, Danish	موضوع:
شعر فارسی -- مجموعه‌ها	موضوع:
Persian Poetry -- Collections	موضوع:
PIR۳۹۹۶ / ۴ض ۲ع ۱۳۹۶	رده‌بندی کنگره:
۳۹۸/۹۴	رده‌بندی دیویی:
۴۶۱۳۸۵۷	شماره کتابشناسی ملی:



[telegram.me/degarandishanpublication](https://t.me/degarandishanpublication)



[instagram.com/degarandishanpublication](https://www.instagram.com/degarandishanpublication)



twitter.com/degarandishanpublication

www.degarandishan.com

ناشر: موسسه انتشارات دگران‌دیشان

تهران: صندوق پستی ۷۵/۵۷۱

ضرب‌المثل‌های فارسی - دانمارکی (شامل تمثیل‌های فارسی)

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: کهن

تایپ و ویراستاری: مروارید عابدیان کاسگری

از بدو تشکیل جوامع و تمدن‌های باستانی، انسان‌ها به ضرورت اخلاق و اهمیت فرهنگ آگاهی داشته و بر اساس تجربه و با بهره بردن از داستان‌های اساطیری به ساخت عبارات اخلاقی روی آورده‌اند. امثال و حکم بخشی از ادبیات شفاهی است که بعدها بخشی از آنها با تکرار و انتشار سینه‌به‌سینه به قلمرو امثال و حکم راه یافته و در ادبیات ثبت شده‌اند. بر اساس متون تاریخی برای نخستین بار ارسطو در یونان باستان به جمع‌آوری امثال و حکم روی آورد و بعدها فلاسفه، شعرا و نویسندگان دیگر مانند افلاطون، آپولونیوس، سوفکلس، همر، آریستوفان، آیتلیس، اورپیدس، و ... به کار رفتن امثال و حکم در آثار خود آن را به عنوان بخشی از ادبیات نهاد به کردند؛ در روم نیز بلاتوس، ترنس، هوراس، سیسرو، و ... آثار خود را به ضرب‌مثل مزین نمودند. آشنایی با امثال و حکم در بردارنده ارزش‌های علمی و هنری مربوط به آن است. امروزه با توجه به اهمیت و ضرب نفوذ فرهنگ، مطالعه ضرب‌المثل‌های اقوام و ملت‌های مختلف در پژوهشکده‌های حوزه پارمیولوژی بسیار رایج شده است. با توجه به اهمیت این نوع پژوهش‌ها، انتشارات دگراندیشان در ایران دارد در راستای شناخت مشابهات امثال و حکمی زبان فارسی با سایر زبان‌ها، آثار اندیشمندانی که در این حوزه پژوهش می‌کنند را به بازار کتاب معرفی نماید و امیدوار است مورد توجه و حمایت زبان‌شناسان، مثل‌شناسان و سایر تدبیرمندان حوزه پژوهش‌های فرهنگی قرار گیرد.

فهرست مندرجات

صفحات	عنوان
الف خ	فهرست ضرب‌المثل‌های فارسی
۱ ~ ۱۰	
۱۱ ~ ۱۱۴	ضرب‌المثل‌های فارسی - دانمارکی
۱۱۷ ~ ۱۲۲	منابع فارسی
۱۲۵ ~ ۱۳۱	منابع غیر فارسی

www.ketab.ir

مقدمه

باورهای مردمی مجموعه‌ای از مبانی رفتاری توده‌های مردم هستند که پیچیدگی و ابهام نداشته و عموماً راهنمایی‌هایی برای تبیین باورها تلقی می‌شوند که به ساده‌ترین شکل بیان شده و به صورت کلی امثال و حکم نامیده می‌شوند. خصلت ذاتی ادبیات عامه موجب می‌شود که امثال و حکم به دلیل انطباق با دریافت عمومی به ادبیات نفوذ کرده و رایج شوند، در غالب اوقات مبدع و منشأ امثال و حکم از حوزه توجه خارج شده اما اصل مطلب در اذهان باقی مانده و حداقل به صورت انشادی به زندگی خود در ادبیات عامه ادامه داده است. فرهیختگان جامعه پارسی‌گوی نیز به مدد صنایع مختلف نثر مسجع و نظم، سیاهه طولایی از حکمت‌های تجربی توده‌ها را در قالب جملات اندرزی^۱، تشبیهات^۲، اصطلاحات و عبارات کنایی^۳، و گونه‌های دیگر همانند تلمیحات به پیکره ادبیات عمومی زبان فارسی افزوده‌اند.

امثال و حکم

من این مثل که گفت: انکو مثلی ست مثل بسنده بود هوشیار مردان را (ناصرخسرو) امثال و حکم یکی از ابعاد اركان معتبر ادبیات هر زبان و یکی از کهن‌ترین اشکال ادبی است. عبارات کوتاه اما حکمی بازتاب فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی توده‌ها به شمار رفته و حکایت از تجارب آه‌لای مردم دارند و در هر قالبی اعم از هزل و طنز و انتقاد واقعیات رفتار اجتماعی، سیوه زیست، عقاید و رسوم سخنوران محدوده زبانی را بیان نموده و کاربرد زبان را از به کار بستن تعابیر طویل و احتجاجات نارسا و فرسایشی رها کرده و سخن سخت را به پیامی فصیح بدل می‌کنند. امثال، جمع مثل و مثل در زبان عربی به معانی همتا و مانند، برهان و دلیل، مایه سخن، و پند و عبرت به کار رفته است (تاج‌العروس، ذیل مثل). مثل‌ها ریشه در حکایات کهن دارند و در قالب‌های متفاوتی به کار می‌روند. گذشتگان فارسی‌زبان مثل را یکی از اقسام سبک و چهارگانه ادب می‌شمردند و با استفاده از صنایع گوناگون، ارسال مثل را در ادبیات به کار بسته و با استفاده از ارسال مثل و مطالب حکیمانه به آرایش کلام و تقویت بنیه سخن پرداخته و بر مدعای سخن شاهدهی می‌آوردند^۴. ابوعبید قاسم بن سلام، در سده سوم قمری، مثل

^۱ اندازه نگهدار که اندازه نکوست

^۲ مثل طبل تهی

^۳ رفت ابروش را درست کند چشمش را کور کرد

^۴ «گاه باشد که آوردن یک مثل در نظم و نثر یا خطابه و سخنرانی اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه خواننده و شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد» (همایی، ۱۳۶۷).

را همان سخنان پندآمیز اعراب عصر جاهلیت دانسته که مقصود را به واسطه کنایه ادا

می کرده‌اند. وی ضرب‌المثل را دارای سه ویژگی اختصار لفظ، صحت معنی و حسن تشبیه می‌داند (سیوطی، المزمهر، ۴۸۶/۱). بهمنیار معنی اصطلاحی مثل را اینگونه تعریف کرده است: جمله یا ترکیبی است مختصر و مفید، مشتمل بر تشبیه یا مضمونی حکیمانه که به سبب روانی لفظ، روشنی معنی و لطف ترکیب، قبول عام یافته است و همگان آن را بدون تغییر یا با اندک تغییری در موارد مشابه به کار می‌برند (بهمنیار، ۵۲). حکم، جمع حکمت، در زبان عربی به معانی کلام سازگار یا حقیقت، کار صحیح، عدالت، علم و بردباری به کار رفته است (تاج‌العروس، ذیل حکم)، حکمت مجموعه رفتارهای اخلاقی و فره‌ئی توده‌هاست و از خرد جمعی آنها سرچشمه می‌گیرد.

تاریخچه امثال و حکم

در زبان فارسی صناعت نحو، صنعتی مقوم و ریشه‌دار است، در مقدمه ابن خلدون می‌خوانیم: "و من ارباب نوافی ان حملة العلم فی الملة الاسلامیه اکثرهم العجم ... فکان صاحب صناعت النحو سبیه و فارس بن بعده والزجاج من بعدهما و کلهم عجم فی انسابهم ... و لم یقم بحفظ العلم و تدوینة الاسلام و ظهر مصداق قوله صلی‌الله‌علیه و سلم لو تعلق العلم باکناف السماء لئلا له قوم من اهل فارس ... ممکن است برخی این خرده را بگیرند که منظور عبدالرحمن بن خلدون از عجم، ملت‌ها و غیر عرب است، اما نه تنها ابن خلدون به صناعت نحو سبویه اشاره دارد بلکه این معنی که امر زه از واژه عجم مستفاد می‌شود در عصر ابن خلدون (سده هشتم قمری) رایج نبوده است. "عجم، مطلق در زبان عربی ایرانیان بودند، چون زودتر از هر بیگانه‌ای با ایرانی‌ها آشنا شدند. پس که اقوام بیگانه را دیدند آنها را هم عجم می‌گفتند". داستان‌های کوتاه منشو و ... دوم در زبان فارسی پیشینه دیرینی دارند و یکی از شگفتی‌های ادب فارسی، آفرینش منشو خریف در کمال ایجاز است که از عصر رودکی تا روزگار معاصر با بهره‌گیری از مایه‌های متنوع زبان فارسی و به کمک ذوق فارسی‌سرایان در دفتر بی‌بدیل ادب فارسی نقش بسته است. برخی از این حکایات در قالب ضرب‌المثل به زبان‌های دیگر وارد شده‌اند، فیلسوف مستشرق سده نوزدهم میلادی، رالف امرسون (*R. W. Emerson*) در پیشگفتار ترجمه^۶ گلستان سعدی نوشته است: "منشا انبوهی از قصه‌ها و ضرب‌المثل‌هایی که در اقوام ما مردم (غرب) است و آن را به نویسندگان جدید نسبت می‌دهیم، از سعدی به ما رسیده

^۵ زیدان، جرجی: تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۹.

^۶ برخی از ایران‌شناسان مانند آربری *A. J. Arberry* این ترجمه را مغشوش می‌دانند، آربری در اثر خود *Classical Persian Literature* نقد جامعی بر این ترجمه انگلیسی ارائه نموده است.

است. "توجه به تزئین کلام از دیر باز مورد عنایت ادیبان فارسی‌زبان بوده است و این فرهیختگان ارجمند آثار ارزشمندی با رعایت مراتب فصاحت و بلاغت آفریده‌اند. "ایرانیان از زمان قدیم، عنایتی به تزئین ظواهر کلام داشته‌اند و در مکاتیب و رسائل دیوانی و غیر دیوانی اسلوب فنی و سبک صناعی به‌کار می‌بردند و نثر را به اقوال حکما و مواظظ اخلاقی و دینی و اشعار و معنیات لطیفه موشح می‌ساختند و آن را به‌صورت قطعات ادبی، در کمال ظرافت و جمال درمی‌آوردند. در ترکیب کلمات و کیفیت تعبیرات، تناسب بین متکلم و مخاطب و کاتب و مکتوب الهیه و سایر دقائق فنی را رعایت می‌کردند. در رسائل و مکاتیبی که بین عمال دولت و ملوک ساسانی و ملوک اطراف مبادله می‌شد و نیز کتب ادبی زبان پهلوی و خطبه‌هایی که پادشاهان هنگام بر تخت نشستن بیان می‌کردند میل به صنایع و محاسن لفظی و زیبایی کلام دیده می‌شود و این سبک در رسائل، بیش از خطب مراعات می‌شده است."^۷ با توجه به ریشه‌دار بودن صنعت نثر و سابقه دیرینه به‌کار بستن ضرب‌المثل در زبان فارسی، ادیبان ایران از سده ششم قمری به گردآوری امثال روی آوردند. رشیدالدین وطواط نخستین ادیب ایرانی است که به این کار همت گماشت و به درخواست قطب‌الدین محمد خوارزمشاه به تالیف کتاب "طایف‌الامثال و طرایف‌الاقوال" پرداخت. اما از آنجا که رشید وطواط علم امثال را از عزم غریب می‌دانست، مجموعه‌ای از مثل‌های عربی را گرد آورد و به فارسی ترجمه کرد و سپس کتاب‌های فارسی مربوط به آن مثل‌ها را به آنها افزود. کتاب بعدی، "قره‌العین" یا "قره‌ایون" است که از مؤلفی ناشناس در نیمه دوم سده ششم و اوایل سده هفتم قمری نوشته شده است. این کتاب نیز به ترتیب الفبایی حروف اول مثل‌ها تنظیم شده و دارای مقدمه و متن اصلی، شامل ۴ قسم و هر قسم در چند فصل و خاتمه است. قسم اول این کتاب از جهت اشتمال بر مثل‌های کهن و به‌کارگیری نثر شیوای فارسی، از مهم‌ترین منابع به شمار می‌رود. در سده یازدهم قمری، محمدعلی هبله‌رودی در سال ۱۰۴۹ ق. در حیدرآباد هندوستان به تألیف کتاب مجمع‌الامثال به ترتیب حروف الفبایی و مشتمل بر ۱۰۰۰۰ مثل فارسی پرداخت. هبله‌رودی در سال ۱۰۵۴ ق. کتاب دیگری نیز به نام جامع‌التمثیل یا مجمع‌التمائیل را به ترتیب حروف تهجی تالیف نمود. همزمان با هبله‌رودی، فارسی‌زبان دیگری در هندوستان به نام محمدصادق پسر محمدصالح صادقی اصفهانی فصل هشتم از باب سوم دانشنامه بزرگ خود به نام شاهد صادق را به مثل‌های فارسی

^۷ خطیبی (۱۳۶۷).

اختصاص داد و حدود ۵۶۰ مثل فارسی را به ترتیب حروف تهجی گرد آورد. میرک محمد تاشکندی نقشبندی بغدادی نیز در سده یازدهم قمری مجموعه نوادراامثال که مجموعه‌ای از مثل‌های فارسی با ترجمه ترکی است را به ترتیب حروف تهجی گردآوری نمود. کتاب "امثال" یا "مجمع‌الامثال" اثر میرزا محمد طاهر مشتمل بر ۱۲۰۰ مثل و ترکیب و مصراع، اثر دیگر مربوط به سده یازدهم قمری است.

در سده دوازدهم قمری کتاب "مجمع‌الامثال" اثر ابراهیم خالص بوزروفجه‌ای رومی است که مجموعه‌ای از ضرب‌المثل‌های فارسی و ترکی است. قدیمی‌ترین اثر دوران اخیر، کتاب "امثال" تالیف نویسنده‌ای ناشناس در عصر قاجار است، این کتاب شامل مثل‌های فارسی به ترتیب حروف الفباست و نخستین مجموعه‌ای است که مؤلف آن به گردآوری جمله‌های بی‌پایانه توجه نشان داده است. در سده چهاردهم قمری نیز کتابی مشتمل بر ۵۰۰۰ ضرب‌المثل توسط علی اکبر فرزند علی، نواده قائم‌مقام فراهانی تالیف شد. پس از وی، امیرقلی امینی ۱۳۰۱ هجری را در سال ۱۳۰۲ شمسی در برلین به چاپ رساند و پس از تکمیل آن در سال ۱۳۵۳ شمسی در اصفهان در دو مجلد به زیر طبع آراست. یکی از مهم‌ترین آثار اخیر در زمینه جمع‌آوری امثال و حکم، مجموعه چهار جلدی امثال و حکم دهخدا شامل ضرب‌المثل‌های فارسی و ضرب‌المثل‌های رایج میان فارسی‌زبانان است که در سال ۱۳۱۱ شمسی، در تهران به چاپ رسید. عبارت "امثال و حکم" همت و پایمردی این رادمرد گرانقدر ادبیات معاصر را در ذهن متبادر می‌سازد و ارجمندی فارسی‌زبانان در گرامیداشت خادمان علم و فرهنگ را یادآور می‌شود. جامعیت مجموعه چهار جلدی امثال و حکم برخی از ضابطه‌ها را احیاء نمود. این مجموعه غنی دارای حدود ۳۰ هزار عنوان مثلی، جگمی، زبانزدی، ملاحی و کنایه‌ای است و افزون بر آن، ذیل بسیاری از عنوان‌ها نزدیک به ۱۰ هزار عبارت، اصطلاح و کنایه، و نیز حدود ۱۲ هزار مورد مستند به شعر شاعران و یا نویسندگان مختلف آمده است. روش کیفی علامه دهخدا در تجميع تشبیهات عادی، سائره به سبک صاحب جامع‌الامثال^۸ و شیوه صاحب جامع‌التمثیل^۹ و همچنین بهره‌برداری از روش دبیری ابوالفضل بیهقی در توضیح برخی امثله، پایمردی علامه را به سبک‌های موجود در تاریخ ادبیات فارسی روشن می‌سازد. مطالب این اثر سترگ، دستمایه پایه‌ای و تراز اصلی در تدوین این کتاب در مطالعه قیاسی و انطباق با ضرب‌المثل‌های دانمارکی

^۸ ابوالفضل احمدبن محمد نیشابوری

^۹ محمدعلی هبلرودی

است. فریدون بهمنیار دیگر ادیب فارسی‌زبان است که مجموعه‌ای از وی مشتمل بر ۶۰۴۷ مثل در سال ۱۳۶۱ شمسی تحت عنوان "دایان نامه بهمنیاری" به چاپ رسید. احمد شاملو از شعرای معاصر دیگر ادیب فارسی‌زبان است که در زمینه جمع‌آوری ضرب‌المثل اقدام نمود و از سال ۱۳۵۷ شمسی چاپ مجموعه وزین کتاب کوچک را آغاز کرد. امثال در کتاب کوچک، از دیدگاه فرهنگ عامه و بر اساس مدخل‌های نظم الفبایی خاستگاه‌ها و واژه‌های محوری تنظیم شده و در ۱۱ گروه کلی طبقه‌بندی گردیده است. ریشه‌های تاریخی امثال و حکم نیز اثر مهمی از مهدی پرتوی‌آملی است که به توضیح ریشه‌های برخی از ضرب‌المثل‌ها پرداخته است. در مجموعه حاضر کوشش شده است که ضمن استفاده از متون معاصر به گنجینه گرانبهای متون کهن ادبیات فارسی توجه بیشتری شود، متون کهنی که در رعایت سادگی زبان، روشنی سخن، انسجام کلام و بیان بدیشه نمونه اعلای شیوایی و بلاغت می‌باشند. آثار گرانبهای که تمثیلات آن، مملو از واژه‌های سنجیده و خوش‌آهنگ، تشبیهات زیبا و دلاویز، ایهامات دقیق و موزون، استعارات لطیف و دل‌انگیز، کنایات به‌جا و استوار، توصیفات بدیع و خیال‌پرور، اشارات نفوذ و دل‌ساز، آرایه‌های لطیف و روح‌افزا است. بر واضح است که ادبیات فارسی یادگارهای پر ارجی برای فارسی‌زبانان و برای همه بشریت به میراث نهاده است، اگر بنا بود که از هر یک از این یادگارهای سرشاری نقل شود چند برابر این مجموعه فراهم می‌شد. البته نمونه‌های انتخاب شده به سبب مستند و خروار است بدیهی است که شاید بتوان نمونه‌های بهتری انتخاب کرد ولی مسأله این است که هر انتخابی که به عمل می‌آمد ناگزیر باید از نمونه‌های دیگر صرف‌نظر می‌شد. در انتخاب تمثیلات و قطعات، سعی شده بر مبنای معیاری واحد آن‌هایی انتخاب شوند که تناسب بین ضرب‌المثل و ارسال‌مثل در آنها رعایت شده و از حیث نگارش به ایهامات ادبی توجه داشته باشند. نکته دیگر آنکه هر چند کوشش شده تا از نقل نابایست برداشته‌ها دوری شود و به اصطلاح ادبا از اطناب اجتناب شود اما هر جا که تمثیل مترادف، آثار دیگر به‌کار رفته، سعی شده به لحاظ رعایت امانت و همچنین امکان قیاس سبک‌های مختلف، نقل شوند. این شیوه خوانندگان را به مقایسه آثار نیز بر می‌انگیزاند. و اما درباره شعر، همگان اذعان دارند که گرایش فطری فارسی‌زبانان به شعر و بهره بردن از زبان شعر به لحاظ ایجاز و اختصار در کلام و تفهیم معانی بلند و جامع‌الاطراف بودن دارای ریشه عمیقی است و اشعار فارسی از این طریق به ضرب‌المثل‌های فارسی راه یافته و قریب به اتفاق شعرای پارسی‌گوی در آثار ارزشمندشان از ضرب‌المثل استفاده نموده‌اند، اما با توجه به استدلال‌های تمثیلی به‌کار رفته در غالب اشعار و آموزه‌های اخلاقی و عرفانی

حضرت مولانا، مولف گرایش بیشتری به استفاده از آثار این بزرگوار داشته است. پر واضح است که با توجه به ارسال‌های به‌کار رفته در دفتر ششگانه مثنوی مولوی، برخی تمثیلات از فراموشی تاریخی‌های یافته و میراث گرانبهایی برای فارسی‌زبانان رقم خورده است. بهره‌مندی حضرت مولانا از روش‌های نظیر استفاده از ضرب‌المثل، گواهی است بر اینکه نه تنها قوه عاقله مخاطبین مورد توجه ایشان قرار داشته بلکه عواطف و احساسات آنها نیز مورد نظر قرار داشته است، لذا در اقناع مخاطبان جهد بلیغ ورزیده و این کوشش مسئولانه و قرین به توفیق ایشان در امر تشریح و انتقال موضوع به مخاطبان در به‌کارگیری ضرب‌المثل در مثنوی مولوی کاملاً مشهود است.

نردبان آسمانست این کلام

هر که زین بر می‌رود آید به‌بام

... دانمارک کشوری در شمال اروپاست.^{۱۱} دانمارک کوچک‌ترین و جنوبی‌ترین کشور اسکاندیناوی است. جزایر خود، ختار فارو و گرینلند نیز بخش‌هایی از سرزمین دانمارک به‌شمار می‌آیند. دانمارک از خاور به دریای بالتیک، از باختر به دریای شمال، از جنوب به کشور آلمان و از شمال به تنگه اسکاژراک محدود می‌شود. به دلیل شمار زیاد جزایر، دانمارک دارای خط طولانی ساحلی به ۷۰۴۱۳ کیلومتر است. بیشتر نقاط دانمارک در نزدیکی ساحل دریا قرار دارد و بخش اعظم خاک کشور دانمارک را زمین‌های کشاورزی تشکیل می‌دهند. خاک اصلی دانمارک، سرزمینی فاقد کوهستان است و بلندترین نقطه طبیعی آن Møllehøj نام دارد که ارتفاع آن از سطح دریا

^{۱۱} منابع استفاده شده برای توضیح کشور دانمارک:

1. Wikipedia contributors, "Denmark," Wikipedia, The Free Encyclopedia, (accessed June 14, 2012).
2. Crolla, R. and C. McKeating. *Europe's High Points: Getting to the top in 50 countries*. Cicerone Press, 2010. ISBN 9781849652896. Retrieved 2014-04-18.
3. MobileReference. *Travel Denmark: Illustrated City Guide, Phrasebook, and Maps*. Mobi Travel Series. MobileReference.com, 2007. ISBN 9781605011370. Retrieved 2014-04-18.

^۴ ویکی‌پدیای دانمارکی

^۵ حسینی، محمدوائق: معرفی ممالک اروپایی (۱۲). دانمارک: ۲۲/۵/۱۳۸۸.

^۶ شهروند در دانمارک، راهنمایی در مورد جامعه دانمارک برای شهروندان جدید. ناشر:

The Ministry of Refugee, Immigration and Integration Affairs, ۲۰۱۰/۷/۸.

۱۷۰۰۸۶ متر است.^{۱۱} پادشاهی دانمارک بعد از ژاپن دارای قدیمی‌ترین خاندان پادشاهی است، و پرچم آن نیز با یک صلیب سفید در میان آن، قدیمی‌ترین پرچم در اهتزاز در جهان محسوب می‌شود که از سال ۱۸۲۱م. تا به حال استفاده می‌شود.^{۱۲} مسیحیان دانمارک مسیحی لوتری (لوتران) هستند. به باور تاریخدانان، ژوت‌ها که به همراه انگل‌ها و ساکسون‌ها سه قوم نیرومند ژرمن در زمان خود به‌شمار می‌آمدند به این منطقه آمده بودند و ژوتلند و جزایر پیرامون آن را مسکونی کرده بودند. مورخان معتقدند دانمارک از حدود ۱۲۰۵۰۰ سال پیش مسکونی بوده و پیشینه کشاورزی در این سرزمین به ۳۹۰۰ پیش از میلاد بازمی‌گردد. اما آثار اخیر مربوط به سده سوم به بعد است که سازه‌های دفاعی دانه‌ویرکه، کهن‌ترین آنهاست. دانمارکی‌ها از سده هشتم تا دهم میلادی به عنوان وایکینگ شناخته می‌شدند و همراه با نروژی‌ها و سوئدی‌ها به مناطقی دیگر اروپا حمله برده و به غارت و گاهی تجارت می‌پرداختند. وایکینگ‌های دانمارک بیشتر در جزایر بریتانیا و غرب اروپا فعال بودند. در اوایل سده یازدهم میلادی کنوت فرزند پسران فتح‌حاکم را در اروپا به نفع دانمارک به‌دست آورد که از آن جمله نروژ و بخش وسیعی از انگلستان بود. پس از مرگ کنوت، دانمارک مدت‌ها درگیر کشمکش‌های داخلی بود. در طی سده‌های دوازده و سیزدهم پادشاهانی مانند والدمار یکم و دوم بر متصرفات دانمارک افزودند. در سده چهاردهم میلادی، والدمار چهارم مغلوب رقبای اروپائی شد و بخشی از سرزمین‌ها را از دست داد. بعد از وی، دخترش مارگریت توانست در سال ۱۳۹۰م. اتحادیه کالمار را بین دانمارک و سوئد و نروژ برقرار سازد. اتحاد با نروژ تا سال ۱۸۱۴ دوام داشت ولی اتحاد با سوئد در سال ۱۵۲۳م. پایان یافت. در سال ۱۴۴۸م. کریستین اول از کاندان اولندنبورگ به پادشاهی دانمارک رسید و با حمله به نواحی شلسویگ و هولشتاین که در اختیار دوک‌های آلمانی بود، آن نواحی را به تسلط دانمارک درآورد. بعد از وی، پسرش ژان و سپس پسر

^{۱۱} منابع:

1. Crolla and Keating, *Europe's High Points: Getting to the top in 50 countries*, 69.
2. MobileReference, *Travel Denmark: Illustrated City Guide, Phrasebook, and Maps*, 106.

^{۱۲} مطابق روایات افسانه‌ای-تاریخی در یازدهم ژوئن ۱۲۱۹م. شاه والدمار دوم مشهور به فاتح در یک جنگ در تنگنای بدی گرفتار شده بود. در این وضعیت، اسقف‌های همراه لشکر بر تپه‌ای گرد آمده و به دعا پرداختند. در این هنگام، ناگاه ابرها کنار رفتند و بارجه سرخ‌رنگ بزرگی از آسمان به زیر افتاد که صلیب سفید رنگی بر آن دیده می‌شد. مطابق روایات دانمارک این نشانه‌ای عینی از جانب خداوند بود که نشان می‌داد او برای دانمارکی‌ها رحیم و خیرخواه خواهد بود.

ژان، کریستیان دوم به پادشاهی رسیدند. کریستیان دوم که در سال ۱۵۱۳م. به پادشاهی رسیده بود در سال ۱۵۲۰م. به پادشاهی دانمارک رسید. او سوئد را تسخیر نمود و به دانمارک ضمیمه کرد. اما سوئدی‌ها در سال ۱۵۲۳م. به پادشاهی دانمارک رسید. او متحد شده و با لغو قرارداد کالمار کشور خود را مستقل اعلام نمودند. در همان سال اشراف دانمارک علیه کریستیان دوم قیام نموده و پس از سرنگون کردن او عمویش فردریک اول را به سلطنت منصوب کردند. پس از مرگ فردریک اول، پسرش کریستیان سوم در سال ۱۵۲۴م. پادشاه دانمارک (و نروژ) شد. کریستیان سوم توانست با کمک گوستاو اول پادشاه سوئد نیروهای لوئیک را که به دانمارک تجاوز کرده بودند در سال ۱۵۳۶م. شکست دهد، مذهب لوتری را در دانمارک تثبیت و به نروژی‌ها نیز تحمیل نماید. دانمارک در دوران سلطنت کریستیان سوم و پسرش فردریک دوم که در سال ۱۵۵۹م. به پادشاهی رسید به توسعه اجتماعی زایدالوصفی دست یافت و اصلاحات اقتصادی و سیاسی انجام داد. به موجب عظمت دانمارک شد و با تجهیز دانمارک به نیروی دریایی، فصل جدیدی آغاز شد. اما با مرگ فردریک دوم و پادشاهی پسر خردسالش، کریستیان چهارم، حکومت در دست نایب السلطنه‌اش قرار گرفت که بعدها اعلام پادشاهی کرد و مجموعاً ۶۰ سال سلطنت نمود، در این ۶۰ سال، وی بارها با سوئد جنگید و درگیر جنگ‌های معروف به جنگ‌های سی ساله شد ولی سیاست اقتصادی وی موفق بود. پس از وی حکومت مجدداً به خاندان قبلی بازگشت و در سال ۱۶۴۸م. فرزند کریستیان با نام فردریک سوم به تخت نشست، وی نیز به جنگیدن با سوئد ادامه داد. پس از وی، پسرش فردریک چهارم نیز در جنگ با سوئد و تصرف نواحی شلسویگ و سوئد جنوبی بود که موفق به تسخیر شدن نگشت. پس از او به ترتیب: کریستیان ششم (۱۷۳۰)، فردریک پنجم (۱۷۴۶)، کریستیان هفتم (۱۷۶۶)، و فردریک ششم (۱۸۰۸) به سلطنت دانمارک و نروژ رسیدند. در زمان فردریک ششم جنگ‌های میان دانمارک و انگلستان آغاز شد. سیاست‌های انگلستان و سایر شرایط موجب انعقاد پیمان وین در سال‌های ۱۵ - ۱۸۱۴م. شد که بر اساس آن، نروژ از دانمارک تجزیه شد و ضمیمه سوئد گردید. پس از فردریک ششم حکومت به یکی از خویشان وی معروف به کریستیان هشتم واگذار گردید که سیاست‌های وی پیشرفت‌های اقتصادی فراوانی را در پی داشت. پس از درگذشت کریستیان هشتم در سال ۱۸۴۸م. پسرش فردریک هفتم و سپس کریستیان نهم (۱۸۶۳) به سلطنت رسیدند. کریستیان نهم که از خاندان سوندربورگ گلوکسبورگ بود در آغاز سلطنتش در سال ۱۸۶۳م. ناحیه شلسویگ-هولشتاین را به دانمارک ملحق نمود. در نتیجه، پروس

(آلمان) و اتریش به جنگ با دانمارک پرداختند و نه تنها شلسویگ - هولشتاین بلکه چند منطقه دیگر نیز از دانمارک جدا شدند. در طول پادشاهی کریستیان نهم، فعالیت آزادی‌خواهان موجب اصلاحات اجتماعی و تقاضای عمومی برای تدوین قانون اساسی جدید شد. قانون اساسی دانمارک یا حکومت مردمی که نهایتاً در سال ۱۸۴۹م. بنیاد گذاشته شد جانشین قانون حکومت مطلق شد که بر طبق آن پادشاه از سال ۱۶۶۰م. اختیار تام را داشت. پس از کریستیان نهم فرزندش فردریک هشتم در سال ۱۹۰۶م. به سلطنت رسید که بیشتر به مسائل نظامی توجه داشت. بعد از وی کریستیان دهم در سال ۱۹۱۲م. به سلطنت نشست. وی توانست قسمت شمالی شلسویگ را در سال ۱۹۲۰م. به نفع دانمارک پس بگیرد. دانمارک در جنگ جهانی اول بی طرف باقی ماند ولی در طی جنگ جهانی دوم به اشغال آلمان درآمد و در پایان جنگ جهانی دوم از اشغال آلمان خارج شد. در سال ۱۹۴۷م. با درگذشت کریستیان دهم، فردریک نهم پادشاه شد و وزارت دانمارک را به حد اعلای پیشرفت‌های اقتصادی و سیاسی برساند. در سال ۱۹۷۲م. با مرگ فردریک نهم، دخترش مارگرت دوم به پادشاهی دانمارک رسید که تاکنون ادامه دارد. از نظر زبانی، زبان رسمی دانمارک، زبان دانمارکی (*Dansk*) است که از خانواده زبان‌های هندواروپایی، و شاخه زبان‌های ژرمنی است و با زبان‌های سوئدی و نروژی از شاخه شمالی زبان‌های ژرمن را می‌سازد. زبان‌های فاروئی، گرینلندی و آلسی نیز به عنوان زبان‌های محلی در کشور دانمارک رسمیت دارند. زبان دانمارکی در ناحیه شلسویگ-هولشتاین آلمان نیز سخنور دارد. از منظر زبانشناسی، تلفظ زبان دانمارکی پیچیده است و حروف مختلف مانند *d* و *g* بسته به حروف مجاورشان اصوات مختلف تولید می‌کنند. اما دانمارکی نوین به‌سوی سادگی آوایی گرایش دارد. به‌عنوان مثال در تصریف فعال در زبان حال، فعل برای تمام اشخاص به یک صورت صرف می‌شود، مثلاً *Være* (به معنای «بودن») برای تمام اشخاص در زمان حال به‌صورت *er* صرف می‌شود. از نظر سامانه نوشتاری، برای نوشتن زبان دانمارکی از الفبای لاتین استفاده می‌شود، افزون بر آن، سه حرف *æ* و *ø* و *å* نیز به الفبای لاتین افزوده شده‌اند که در پایان الفبای دانمارکی جای می‌گیرند.^{۱۲}

^{۱۲} در سال ۱۹۴۸م. در یک بهسازی نوشتاری، حرف *å* جایگزین شیوه نوشتاری پیشین آن، یعنی *aa* شد. از حرف *å* بیشتر در زبان‌های نروژی و سوئدی استفاده می‌شد. هنوز هم برخی نام‌های کهن با همان شیوه پیشین (*aa*) نوشته می‌شوند. از سال ۱۹۹۷م. تقاضای عمومی برای پدید آوردن قانون درست‌نویسی زبان دانمارکی افزایش یافته است.

پژوهش‌های پارمیولوژیک مطالعه ترادف، توازی، وزن، حذف، مبالغه و ... در ضرب‌المثل‌ها و در بعضی زبان‌ها تکرار آوایی یا سایر ویژگی‌های زبانی ضرب‌المثل‌هاست. امروزه پژوهش‌های پارمیولوژیک حتی به عرصه علوم شناختی، شناخت ادیان، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، پژوهش‌های قومی و سایر مطالعات انسان‌شناختی وارد شده‌اند. هرچند بسیاری از اندیشمندان این حوزه معتقدند امثال و حکم تبارهای مختلف دارای ارزش‌های قوم‌شناختی منحصر به فرد است اما به اعتقاد والتر گروبرگ و بعضی دیگر از پارمیولوژیست‌ها، بسیاری از امثال و حکم دارای ویژگی‌های همگنی هستند و مطالعه قیاسی آنها کمک شایانی برای آشنایی با ارزش‌های نژادی اقوام مختلف است. امثال و حکم این کتاب که از نوع پژوهش‌های پارمیولوژیک قیاسی شناخته می‌شود بدون توجه به لهجه‌ها، نویس‌های متفاوت دانمارکی در قیاس با ضرب‌المثل‌های مجموعه امثال و حکم علامه دهخدا قرار گرفته‌اند. کوشش شده هر جا مطلبی از یک اثر گزیده شده نام پدیدآورنده ذکر شده و در نقل برخی مطالب اندک تصرفی به‌عمل آمده است.

علی اکبر عابدیان کاسگری

دانمارک - آبان ۱۳۹۵

^{۱۲} در مجموعه چهار جلدی امثال و حکم علی اکبر دهخدا امثال، ضرب‌المثل، اصطلاحات، کنایات، استعارات، کلمات قصار، حکم، و پندها از نظم و نثر به رشته تحریر درآمده‌اند. این مجموعه در سال ۱۳۱۰ شمسی شامل نزدیک به ۵۰ هزار امثال و حکم و کلمات قصار و ابیات متفرقه منشأ شده است. بیشتر مجموعه را ضرب‌المثل‌های ادیبانه، کلمات قصار و اشعار و بخش کمی را ضرب‌المثل‌های عامیانه تشکیل می‌دهند. به نظر می‌رسد شرایط جمع‌آوری امثال و حکم به گونه‌ای بود که علامه دهخدا نتوانست به رواج و تداول آنها بین عامه توجه زیادی داشته باشد. منابعی که در تنظیم مجموعه مورد استفاده علامه دهخدا قرار گرفته‌اند: ۱۰۰۰ ضرب‌المثل از امثال میدانی مربوط به سده پنجم قمری به زبان عربی، ۱۰۰ ضرب‌المثل از مجموعه مختصر امثال چاپ هندوستان، نزدیک به ۳۰۰ مثل از جامع التمثیل که در سده یازدهم قمری در هندوستان چاپ شده است، چند مثال از کتاب هندی شاهد صادی، ۴۵۰۰ بیت از شاعران کلاسیک (از جمله ۵۰۰ بیت از فردوسی، ۴۰۰ بیت از سعدی، ۲۵۰۰ بیت از مولوی، و ۲۵۰۰ بیت از نظامی و اسدی طوسی) که بیش‌تر ابیات، شکل‌های گوناگون یک ضرب‌المثل است که هر شاعری به سلیقه خود و با بیانی خاص به نظم در آورده است.